**ازدواج: نمایش فیض خدا، فیضی که بر عهد خود پایبند است**

کولسیان ۲:‏۱۳-‏۱۵، ۳:‏۱۲-‏۱۹

و شما را که در خطایا و نامختونی جسمِ خود مرده بودید، با او زنده گردانید، چون که همۀ خطایای شما را آمرزید؛ و آن دستخطی را که ضد ما، و مشتمل بر فرایض، و به خلاف ما بود، محو ساخت؛ و آن را به صلیبِ خود میخ زده، از میان برداشت؛ و از خویشتن، ریاسات و قوّات را بیرون کرده، آنها را علانیه آشکار نمود، چون در آن، بر آنها ظفر یافت . . . پس مانند برگزیدگان مقدس و محبوب خدا، احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بپوشید؛ و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنان که مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید؛ و بر این همه، محبت را که کمربند کمال است، بپوشید؛ و سلامتی خدا در دلهای شما مسلط باشد، که به آن هم در یک بدن خوانده شده‌اید؛ و شاکر باشید. کلام مسیح در شما به دولتمندی، و به کمال حکمت ساکن بشود؛ و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید، به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی، و با فیض در دلهای خود، خدا را بسرایید؛ و آنچه کنید، در قول و فعل، همه را به نام عیسی خداوند بکنید؛ و خدای پدر را به وسیلۀ او شکر کنید. ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید، چنان که در خداوند می‌شاید. ای شوهران، زوجه‌های خود را محبت نمایید؛ و با ایشان تلخی مکنید.

با توجه به آنچه در دو هفتۀ گذشته بررسی نمودیم، اساسی‌ترین نکته‌ای که می‌توانید دربارۀ ازدواج بیان کنید، این است که ازدواج را خدا بنیان نهاده است؛ و اصلی‌ترین نکته‌ای که می‌توانید دربارۀ آن عنوان کنید، این است که ازدواج، به منظور عیان نمودن خداست. در پیدایش فصل ۲، موسی این دو نکته را مطرح ساخته، اما چه بسا که عیسی و پولس در عهد‌جدید، آن را شفاف‌تر نموده‌اند.

**عیسی: ازدواج را خدا بنیان نهاده است**

عیسی این نکته را کاملاً روشن می‌سازد که ازدواج را خدا بنیان نهاده است. مرقس ۱۰:‏۶-‏۹: «از ابتدای خلقت، خدا ایشان را مرد و زن آفرید [پیدایش ۱:‏۲۷]. از آن جهت، باید مرد، پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش بپیوندد؛ و این دو، یک تن خواهند بود [پیدایش ۲:‏۲۴]، چنان که از آن پس، دو نیستند، بلکه یک جسد. پس آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند.» این آیات، واضح‌ترین و شفاف‌ترین آیات در کتاب‌مقدس هستند که نشان می‌دهند ازدواج، صرفاً با تدبیر و تفکر انسان، بنا نشده است. جملۀ «خدا پیوست»، به این معناست که خدا ازدواج را بنیان نهاد.

**پولس: ازدواج، خدا را عیان می‌سازد**

پولس این نکته را کاملاً روشن می‌کند که ازدواج مقرر شده، تا خدا را عیان سازد. او در رسالۀ افسسیان ۵:‏۳۱-‏۳۲، از پیدایش ۲:‏۲۴ نقل قول کرده، و سپس سرّی را با ما در میان می‌گذارد که همواره در ازدواج نهان بوده است: «از اینجاست که مرد، پدر و مادر را رها کرده، با زوجۀ خویش خواهد پیوست؛ و آن دو، یک تن خواهند بود. این سرّ، عظیم است، لیکن من دربارۀ مسیح و کلیسا سخن می‌گویم.» به بیان دیگر، جزیی از پیمان ازدواج این است که شخص، از پدر و مادرش جدا شود؛ و به همسرش بپیوندد؛ و هر دو، یک تن گردند. این پیمان، عهد و پیمان میان مسیح و کلیسایش را به تصویر می‌کشد. اصلی‌ترین دلیل ازدواج این است که محبت میان مسیح و کلیسایش را به نمایش گذارد، محبتی که بر عهد خود پایبند است.

**الگویی از مسیح و کلیسا**

من از نوئل خواستم اگر نکته‌ای وجود دارد که می‌خواهد امروز آن را مطرح کنم، با من در میان بگذارد؛ و نکتۀ او این بود که «بیش از این باید تأکید کنی که ازدواج، الگویی از مسیح و کلیساست.» فکر می‌کنم حق با نوئل است؛ و دست‌کم، به سه دلیل، اغلب باید این موضوع را مطرح نمود: ۱) این الگو، ازدواج را از آنچه در سریالهای طنزِ سخیف تلویزیونی مطرح می‌شود جدا ساخته، و همان معنای باشکوهی را بدان می‌بخشد که خدا برایش مقرر نموده است؛ ۲) این الگو، به ازدواج، پایه و اساسی محکم می‌بخشد، پایه و اساسی که در فیض استوار است، چرا که مسیح، تنها با فیض، عروسش را به دست آورده، و تنها با فیض، آن را نگاه می‌دارد؛ و ۳) این الگو، نشان می‌دهد که سَر بودنِ شوهر، و مطیع بودنِ زن، بسیار مهم، و مستلزم از خودگذشتگی است؛ بدین معنا که سَر بودن، و مطیع بودن، در معنای اصلی ازدواج، چنان در هم تنیده شده‌اند، که مسیح و کلیسا را به نمایش می‌گذارند. حال آنکه سَر بودنِ شوهر، و مطیع بودنِ زن، تنها در کار مسیح بر صلیب، و خودانکاری اوست که معنا یافته، و تنها در کار مسیح است که غرور و بردگی ایشان فرو می‌ریزد.

ما دو پیغام نخست را به اولین دلیل از دلایل نامبرده اختصاص داده، و شالودۀ ازدواج را چنین بنا نهاده، و عنوان کردیم که ازدواج همانا عیان نمودن محبت خداست، که در عهد و پیمان ریشه دارد. ازدواج، پیمانی میان یک مرد و یک زن است، که به موجب آن، ایشان در مقام زن و شوهر، قول می‌دهند که چون یک تن، پیوند تازه‌ای را آغاز نموده، و در آن پیوند، تا زنده هستند، به یکدیگر وفادار بمانند. این پیمان، به واسطۀ قول و قراری جدی، و یکی شدن در رابطۀ جنسی، مُهر شده، و مقرر گشته تا فیض خدا، فیضی که بر عهد خود پایبند است را به نمایش گذارد.

**پایه و اساسی محکم در فیض**

عنوان پیغام امروز این است: «نمایش فیض خدا، فیضی که بر عهد خود پایبند است.» از این‌رو، به سراغ دومین دلیل می‌رویم. یادتان می‌آید پیش از این اشاره کردم که حق با نوئل بود که می‌گفت «بیش از این باید تأکید کنی که ازدواج، الگویی از مسیح و کلیساست»؛ و من در تأیید گفتۀ او، دلیل دومی را مطرح کردم: این الگو، به ازدواج، پایه و اساسی محکم می‌بخشد، پایه و اساسی که در فیض استوار است، چرا که مسیح، تنها با فیض، عروسش را به دست آورده، و تنها با فیض، آن را نگاه می‌دارد.

به بیان دیگر، نکتۀ اصلی پیغام امروز این است: از آنجایی که این عهد تازۀ مسیح با کلیسا، به واسطۀ فیضی بسته شده که با خون وی خریداری گشته، و به واسطۀ همان فیض نیز حفظ می‌گردد، از این‌رو، ازدواج بدین منظور مقرر شده، تا فیضِ عهد جدید را به نمایش گذارد؛ و طریقی که ازدواج، آن فیض را به نمایش می‌گذارد، این است که هر یک از شریکان زندگی، با تکیه بر چشیدن فیض خدا، آن رابطۀ عمودی را که با خدا تجربه نموده، در رابطۀ افقی با همسرش جلوه‌گر می‌سازد. به عبارت دیگر، شما هر ساعت از زندگی مشترکتان را با تکیه بر بخشش خدا، و عادل شمرده شدن، و وعدۀ فیض آینده سپری نموده، و از این وابستگی خشنود و خرسندید؛ و این برکات را در لحظه لحظۀ زندگی مشترک، در رابطه با همسرتان جلوه‌گر می‌سازید؛ یعنی همان‌طور که خودتان بخشش خدا، و عادل شمرده شدن را تجربه نموده، و از وعدۀ یاری شدن بهره‌مند گشته‌اید، باید که همسرتان را ببخشید؛ و او را بخشیده شده، و عادل شمرده شده به حساب آورید. نکتۀ پیغام امروز همین است.

**در مرکز قرار داشتنِ فیضی که می‌بخشد و عادل می‌شمارد**

می‌دانم که همۀ مسیحیان (نه فقط مسیحیان متأهل)، قرار است که در همۀ روابطشان این‌گونه باشند: هر ساعت از زندگی‌شان را با فیض خدا سپری کنند، فیضی که می‌بخشد، عادل می‌شمارد؛ و برای همه‌چیز بسنده است. شما قرار است این‌گونه زیست نموده، و سپس این برکات را در رابطه با همۀ کسانی که در زندگی‌تان حضور دارند، جلوه‌گر سازید. عیسی خود فرمود که زندگی همۀ ما باید جلال خدا را به نمایش گذارد (متی ۵:‏۱۶). اما ازدواج مقرر شد، تا به طور خاص و منحصر به فرد، عهد فیض خدا را به نمایش گذارد، زیرا در زندگی مشترک، زن و شوهر به واسطۀ عهد و پیمان ازدواج، برای همۀ عمر، به یکدیگر می‌پیوندند؛ و رابطه‌ای میانشان برقرار می‌گردد که نزدیک‌ترین و عمیق‌ترین رابطه بوده، رابطه‌ای که نظیر آن را با هیچ‌کس دیگر برقرار نخواهند کرد. نقش سَر بودن، و مطیع بودن، نقشهایی منحصر به فرد است، ولی نکتۀ پیغام امروز این نیست. البته بعدها به این مهم می‌پردازم؛ ولی امروز، تمرکزم بر زن و شوهرِ مسیحی است، نه اینکه در مورد تشبیه آنها به سَر و بدن صحبت کنم. زن و مرد، پیش از آنکه بنا بر کتاب‌مقدس، و از روی مهر و محبت، به نقش منحصر به فردِ سَر بودن و مطیع بودن برسند، باید درک کنند این به چه معناست که زندگی خود را بر رابطۀ عمودی با خدا، و تجربۀ آمرزش و عادل شمرده شدن و وعدۀ یاری، بنا کرده، و سپس آن برکات را در رابطۀ افقی با همسرشان جلوه‌گر سازند. پس امروز، تمرکزمان بر این مقوله است.

و یا می‌توانیم بنا بر پیغام هفتۀ گذشته، این مهم را بدین‌گونه بیان کنیم: نکتۀ اصلیِ برهنه بودن، و شرمسار نبودن (پیدایش ۲:‏۲۵)، (وقتی در واقع، زن و شوهر، کارهای بسیاری را انجام می‌دهند که باید از به‌جای آوردنشان شرمسار باشند)، این است که آنها در رابطۀ عمودی با خدا، فیض بخشاینده و عادل شمرندۀ او را تجربه می‌کنند؛ و آن تجربه را در رابطۀ افقی با یکدیگر، جلوه‌گر ساخته، و به دنیا نشان می‌دهند.

**آمدن غضب خدا**

بگذارید با مراجعه به رسالۀ کولسیان، زیربنای این حقیقت را به اختصار بررسی نماییم. بدین منظور، از کولسیان ۳:‏۶ شروع می‌کنیم: «به سبب اینها، غضب خدا وارد می‌آید.» اگر شما بگویید: «در بحبوحۀ این ازدواجِ آشفته و نابسامان، تنها چیزی که نمی‌خواهم درباره‌اش بشنوم، غضب خداست.» دقیقاً مثل آن ماهیگیر آشفته‌ای هستید که در ۲۶ دسامبر سال ۲۰۰۴، در کرانۀ غربی کشور اندونزی، چنین بگوید: «در این آشفته بازارِ کسب و کارِ ماهیگیری، تنها چیزی که نمی‌خواهم درباره‌اش بشنوم، زلزلۀ دریایی است.» حال آنکه دقیقاً آنچه بسیاری از زندگیهای زناشویی به آن محتاجند، این است که غضب خدا را عمیقاً درک کرده، و از آن بیمناک باشند، چرا که بدون چنین درکی، انجیل آن‌قدر ناخالصی می‌یابد، که صرفاً به روابط میان انسانها تبدیل شده، و جلالی را که کتاب‌مقدس از آن سخن می‌گوید، از دست می‌دهد؛ و در آن صورت، شما وسوسه شده تا چنین پندارید که غضب شما، و به عبارتی، خشم شما نسبت به همسرتان، آن‌قدر شدید است که نمی‌توانید بر آن غالب آیید؛ و این بدان جهت است که شما هرگز به معنای واقعی، این را نچشیده، و نمی‌دانید که چگونه به واسطۀ فیض، غضبی بی‌نهایت عظیم‌تر؛ یعنی غضب خدا بر شما فروکش می‌کند.

**فروکش نمودن غضب خدا**

پس مطلبمان را با غضب خدا، و فروکش نمودنش آغاز می‌کنیم. اکنون به کولسیان ۲:‏۱۳-‏۱۴ بازگردیم: «و شما را که در خطایا و نامختونی جسمِ خود، مرده بودید، با او [مسیح] زنده گردانید، چون که همۀ خطایای شما را آمرزید؛ و آن دستخطی را که ضد ما، و مشتمل بر فرایض، و به خلاف ما بود، محو ساخت؛ و آن را به صلیبِ خود میخ زده، از میان برداشت».

این جملات آخر، از اهمیت بسیاری برخوردارند: آن دستخطی را که ضد ما بود – خدا آن را به صلیبِ خود میخ زده، از میان برداشت. این مهم، چه زمانی به وقوع پیوست؟ این مهم، دو هزار سال پیش به وقوع پیوست، اما با تکیه به شما، و به کمک شما نبود که به وقوع پیوست. خدا آن را برای شما، ولی مستقل از شما، حتی پیش از آنکه به دنیا بیایید، به انجام رساند. این واقعیتِ مشهود و عظیمِ نجات ماست.

**آن دستخط، بر روی صلیب باطل گشت**

حتماً متوجه این حقیقت باشید، حقیقتی که شگفت‌انگیزترین و حیرت‌آورترین حقیقت است: خدا آن دستخط همۀ گناهانتان که شما را به غضب او بدهکار می‌ساخت، گرفت (جملگی گناهان، سرپیچی از خداست، که این سرپیچی، موجب فرود آمدن غضب خدا می‌گردد)؛ و به جای اینکه آنها را پیش رویتان نگاه دارد و به خاطر گناهانتان، حکم فرستادنتان به جهنم را صادر کند، آنها را کف دست پسرش گذاشت؛ و بر میخ زده، به صلیب کشید.

گناهان چه کسی بر صلیب میخکوب شد؟ گناهان چه کسی بر صلیب مجازات شد؟ پاسخ: گناهان من، و گناهان نوئل؛ یعنی گناهان همسرم، و گناهان من؛ و گناهان همۀ کسانی که از نجات خویشتن ناامید گشته، و تنها به مسیح اعتماد می‌نمایند. دستان چه کسی بر صلیب میخکوب شد؟ چه کسی بر صلیب مجازات شد؟ دستان عیسی بر صلیب میخکوب شد؛ و عیسی بر صلیب مجازات شد. این کار، نام زیبایی دارد. این کار، جانشین شدن نام دارد. خدا گناه من را در جسم مسیح مجازات نمود (رومیان ۸:‏۳). شوهران! هر چقدر هم که این حقیقت را باور داشته باشید، باز هم کم است. زنان! هر چقدر هم که این حقیقت را باور داشته باشید، باز هم کم است.

**عادل‌شمردگی، تنها به بخشش محدود نمی‌گردد**

و اگر چکیدۀ همۀ دانسته‌هایمان در مورد عادل‌شمردگی را که از رسالۀ رومیان فرا گرفته و درک نموده‌ایم، در اینجا گرد آوریم، باز هم گفتنی‌ها بسیار است. عادل‌شمردگی، تنها به بخشش محدود نمی‌گردد. ما نه فقط به خاطر مسیح، بخشیده می‌شویم، بلکه به خاطر مسیح، خدا ما را عادل نیز اعلام می‌نماید. خدا دو چیز از ما می‌طلبد: یکی اینکه برای گناهانمان مجازات شویم؛ و دیگر اینکه در زندگی‌مان کامل و بی‌عیب باشیم. گناهان ما باید مجازات شوند؛ و زندگی ما باید پاک و بدون گناه باشد. ولی ما قادر نیستیم مجازاتمان را بر دوش کشیده (مزمور ۴۹:‏۷-‏۸)، همان‌طور که قادر نیستیم برای خود عدالتی به وجود آوریم. هیچ‌کس عادل نیست، یکی هم نی (رومیان ۳:‏۱۰).

بنابراین، خدا به خاطر محبت بیکرانش به ما، پسر خود را تقدیم نمود، تا پسرش هر دو مهم را به انجام رساند. مسیح مجازات ما را بر دوش گرفت؛ و عدالت ما را عملی ساخت؛ و اگر به او ایمان آوریم (یوحنا ۱:‏۱۲)، هم مجازاتی که مسیح متحمل شد؛ و هم عدالت او به حساب ما گذاشته می‌شود (رومیان ۴:‏۴-‏۶؛ ۵:‏۱۹؛ ۵:‏۱؛ ۸:‏۱؛ ۱۰:‏۴؛ فیلیپیان ۳:‏۸-‏۹؛ دوم قرنتیان ۵:‏۲۱).

**عادل‌شمردگی، جلوۀ بیرونی دارد**

اگر قرار است که ازدواج، نمایش فیض خدا باشد، فیضی که عهد می‌بندد؛ و بر عهد خود پایبند است، باید که واقعیتِ رابطۀ عمودی ما با خدا، خود را آشکارا در رابطۀ افقیِ ما با همسرمان جلوه‌گر سازد. ما این واقعیت را در کولسیان ۳:‏۱۲-‏۱۳ مشاهده می‌نماییم: «پس مانند برگزیدگانِ مقدس و محبوب خدا، احشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بپوشید؛ و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنان که مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید».

«چنان که مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید.» یعنی که شما نیز باید همسر خود را ببخشید؛ و همان‌طور که خداوند متحمل شما شد، شما نیز باید متحمل همسرتان گردید. خداوند هر روز، شما را که از به‌جای آوردن اراده‌اش قاصر می‌مانید، متحمل می‌شود. در واقع، میان آنچه مسیح از شما انتظار دارد؛ و شما انتظارش را برآورده می‌سازید، با آنچه شما از همسرتان انتظار دارید؛ و او انتظارتان را برآورده می‌سازد، زمین تا آسمان فاصله است. مسیح همواره بخشنده‌تر، و شکیباتر از ماست. ببخشید، همان‌طور که خودتان بخشیده شده‌اید؛ و متحمل شوید، همان‌طور که او شما را متحمل می‌شود. خواه با یک ایماندار ازدواج کرده‌اید، خواه با غیر ایماندار، این اصل، در موردتان صادق است. بگذارید پیمانۀ فیض خدا بر شما در صلیب مسیح، پیمانۀ فیض شما بر همسرتان باشد.

و اگر با ایماندار ازدواج کرده‌اید، می‌توانید این نکته را هم بیفزایید: همان‌گونه که خداوند، شما را در مسیح عادل به حساب می‌آورد، هرچند که در رفتار و خُلق و خویتان، به راستی پاک و بی‌نقص نیستید، شما نیز در مسیح، همسر خود را عادل به حساب آورید، هرچند که او بی‌گناه و بی‌نقص نیست. به بیان دیگر، رسالۀ کولسیان فصل ۳ می‌فرماید که فیضِ بخشش و عادل‌شمردگی را که در رابطۀ عمودی با خدا از آن بهره‌مند گشته‌اید، در رابطۀ افقی با همسرتان جلوه‌گر سازید. ازدواج، در اصل و اساس به همین منظور است: عیان نمودن فیض مسیح، فیضی که بر عهد خود پایبند است.

**نیاز به حکمتی که در انجیل ریشه دارد**

باید توجه داشت که صدها موقعیت پیچیده وجود دارند که نیازمند حکمت عمیق روحانی هستند، حکمتی که در این حقایق انجیل، و در یک عمر تجربۀ دردناک، و وفادار ماندن در آن تجربه‌ها ریشه دارد. به عبارت دیگر، ممکن نیست که پیغامِ من، در مورد تک‌تک نیازهای همگان به کار آید. ما به جز موعظه، به روح‌القدس نیز احتیاج داریم، ما به دعا نیز احتیاج داریم، ما به تأمل در کلام خدا نیز احتیاج داریم، ما احتیاج داریم که نظرات دیگران را هم بخوانیم، ما احتیاج داریم با دوستان حکیمی که طعم رنج و سختی را چشیده‌اند، مشاوره نماییم، ما احتیاج داریم آن هنگام که همه‌چیز در هم می‌ریزد، کلیسا به پشتیبانی‌مان بشتابد. پس من در این خیال به سر نمی‌برم که توانسته‌ام هر آنچه لازم است را برای یاری به شما بیان کرده باشم.

**در رابطۀ عمودی زیست نمایید، سپس آن رابطه را آشکارا جلوه‌گر سازید**

شاید برای خاتمۀ این پیغام، بد نباشد به دلایل تأکیدم بر این نکته اشاره کنم که چرا می‌گویم عهد و پیمانِ محبت، بخشش است و عادل به حساب آوردنِ دیگری. آیا باور ندارم که باید در دیگران خرسند بود؟ بله، باور دارم. هم تجربه، و هم کتاب‌مقدس، من را به این باور رسانده است. در واقع، عیسی با عروسش؛ کلیسا، پیوند ازدواج برقرار نمود؛ و بدیهی است که هم ممکن است، و هم پسندیده است که خداوند را خشنود نماییم (کولسیان ۱:‏۱۰)؛ و به یقین که او بی‌نهایت سزاوار آن است که ما در وی خشنود باشیم. آن ازدواج آرمانی، همین است: دو نفر، خود را فروتن نموده، و در پی این هستند که به شیوه‌های خداپسندانه، تغییر کنند، تا که باعث خشنودی همسرمان شویم؛ و به نیازهای جسمانی و عاطفی‌شان رسیدگی نموده، و به هر طریق خوب و پسندیده‌ای، آنها را خوشحال سازیم. بله، رابطۀ مسیح و کلیسا، همۀ این موارد را شامل می‌شود.

اما من به این دلایل تأکید می‌کنم که باید با فیض خدا، در رابطۀ عمودی با خدا زیست نموده، و وقتی بخشش و عادل‌شمردگی را تجربه نمودید، آنها را در رابطۀ افقی با همسرتان جلوه‌گر سازید: ۱) زیرا به سبب وجود گناه، و عدم شناخت از یکدیگر، بروز ستیزه و کشمکش، حتمی است (و شما حتی قادر نخواهید بود در خصوص مفهوم گناه، و اینکه در مورد چه چیزی از هم شناخت ندارید، با یکدیگر به توافق برسید)؛ و ۲) زیرا کار دشوار و ناهموار تحمل نمودن و بخشیدن، مهر و محبتی را که به نظر می‌رسد از بین رفته است، شکوفا می‌سازد؛ و ۳) زیرا خدا جلال می‌یابد، آن هنگام که دو شخصِ کاملاً متفاوت، و بسیار ناکامل، در کورۀ سختیها، با تکیه بر مسیح، وفادارانه و دوشادوش هم پیش می‌روند.

**در مسیح، خدا شما را، و همسرتان را بخشیده است**

جلسۀ آینده، به این مهم پرداخته، و آن کشفی را که من و نوئل به آن رسیده‌ایم، با شما در میان خواهم گذاشت. پیش‌بینی‌ام این است که موعظۀ آینده، «موعظۀ گردآوری شده» نامیده شود.

تا آن زمان، زنان و شوهران! این حقایق عظیم را در وجدانتان جای دهید، این حقایق، عظیم‌تر از هر مشکلی است که در ازدواجتان با آن رو‌به‌رو هستید؛ و آن حقایق این است که خدا «همۀ خطایای ما را آمرزیده، و آن دستخطی را که ضد ما، و مشتمل بر فرایض، و به خلاف ما بود، محو ساخت؛ و آن را به صلیبِ خود زده، از میان برداشت.» از صمیم قلب، این حقایق را باور داشته، و آنها را در رابطه با همسرتان جلوه‌گر سازید.